

## آسیب‌شناسی تبیین گزاره‌های دینی حوزه زنان از منظر عقل منطقی

فرانک بهمنی\*

### چکیده

اسلام کامل‌ترین پیام الهی است که هویت ارزشمند زنان را معرفی و جایگاه انسانی آنان را اعتلا بخشید. اما تعصب‌های جاهلی و فقر معرفتی سبب تحریف معنا و تفسیر نادرست گزاره‌های دینی و آسیب جدی به فهم حقایق دینی در حوزه زنان و انطباق آن با مقتضات زمان گردید. از این رو مساله این تحقیق شناسایی آسیب‌های تبیین گزاره‌های دینی حوزه زنان از منظر عقل می‌باشد؛ که با رویکرد عقلانی و با استفاده صحیح از داده‌های منطقی در مواجهه با احادیث، موجب تبیین درست گزاره‌های دینی و رد روایات جعلی و تفاسیر نادرست می‌گردد. یافته‌های تحقیق حاضر حاکی از لزوم کاربست منطق و روش‌های عقلانی در تبیین و فهم درست گزاره‌های دینی است که در این پژوهش به روش تحقیق استنادی - تحلیلی انجام شده و با رویکرد مستقیم به مساله، آن را واکاوی نموده و به تحلیل عقلانی و منطقی آن پرداخته‌است.

### واژگان کلیدی

آسیب‌شناسی، گزاره‌های دینی، زنان، عقل، منطق.

### طرح مسئله

پس از انقلاب اسلامی و در دهه‌های اخیر ایران، شاهد رویکرد افزایشی افراد نسبت به آموزه‌های اسلامی و اجرای آنها در ساختار زندگی فردی و اجتماعی هستیم. مهم‌ترین راه دستیابی به پیام الهی در گزاره‌های دینی نیز تفسیر درست و فهم صحیح آنهاست؛ چراکه تفسیر به رأی و کج‌فهمی آموزه‌های دین، دست انسان را از هدایت الهی کوتاه، و موجبات گمراهی او را فراهم می‌آورد. با توجه به این مسئله آسیب‌شناسی گزاره‌های دینی حوزه بانوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا اولاً زنان، قشر هادی و تأثیرگذار جامعه‌اند که سلامت و سعادت جامعه به سلامت آنها بستگی تام دارد. (ر.ک: خمینی، بی‌تا: ۷ / ۳۴۲ - ۳۳۸) دوم اینکه تفسیر سلیقه‌ای و منطبق بر منافع فردی گزاره‌های دینی در حوزه زنان، آنها را دچار پارادوکس‌های غیر قابل جدایی در موازین دینی نموده است که موجب سرگردانی و درنهایت رویگردانی آنها از اجرای حداکثری دین در زندگی می‌گردد.

از سوی دیگر استفاده فراگیر از رسانه‌های جمعی و همچنین تبلیغات گسترده جریان‌های فمینیستی که با هرگونه دین‌داری حقیقی در تضاد و تخالف‌اند، موجب جذب حداکثری این بانوان سرگردان شده و آنها را از بی‌تفاوت بودن نسبت به اجرای دستورات دینی به مخالف تبدیل کرده است. بدین جهت تبیین صحیح گزاره‌های دینی مرتبط با بانوان، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد تا ضمن دفاع از دیدگاه انسانی اسلام نسبت به بانوان، تفسیر صحیح، جایگزین تبیین‌های نادرست گردد و از سقوط در ورطه تفسیرهای سلیقه‌ای برای توجیه گزاره‌های به ظاهر زن ستیز، جلوگیری شود.

در فرهنگ اسلام، بین عقل و دین رابطه‌ای متقابل وجود دارد تا جایی که در فرایند اجتهاد و استنباط احکام، عقل در کنار قرآن و سنت قرار داده شده و به طور مکرر به حجیت عقل و ارزش آن تأکید شده است. حدیث امام صادق علیه السلام که فرموده‌اند: «هرکس عاقل است، دین دارد و کسی که دین دارد، به بهشت می‌رود.» (کلینی، بی‌تا: ۱ / ۱۱) بیانگر جایگاه ویژه عقل در فرهنگ اسلامی است که قادر است با دقت و امعان نظر درست و نادرست را از هم جدا کند. همچنین ایشان در جای دیگری فرموده‌اند: «پس بندگان خدا با عقل، خدای خویش را شناختند و به واسطه آن، کار پسندیده و زیبا را از ناپسند و زشت تشخیص دادند». بنابراین در این پژوهش از منظر عقل به آسیب‌شناسی روایات این حوزه پرداخته شده تا حقیقت پیام معصوم که واسطه پیام الهی است با بدفهمی‌ها و کژاندیشی‌های تعمدی و غیر تعمدی آلوده به کذب و جعل نگردد و راه روشنی برای بازشناسی حقایق حوزه زنان در اختیار جویندگان بی‌طرف حقیقت باشد.

بنابراین منظور از عقل در پژوهش پیش‌رو، عقل نظری در معنای عام آن می‌باشد و تحلیل‌ها به

هیچ‌یک از نحله‌های عقل‌گرایانه وابستگی ندارد. مسلم است که مقصود از عقل در احادیث ذکر شده نیز عقل در معنای عام آن می‌باشد که علم منطقی برای بازداشتن آن از خطا وضع شده است. اگرچه برخی پژوهشگران در حوزه علوم قرآنی و فقه به این مسئله پرداخته‌اند اما رویکرد اغلب آنها یا درون دینی بوده و یا از منظر حقوقی و روان‌شناسی مسئله را مورد تحلیل قرار داده‌اند. پژوهش پیش‌رو درصدد است از منظر دیگری به این مسئله بپردازد که علاوه بر متخصصین در فقه و علوم قرآنی، ... سایر افرادی که با علم منطقی آشنا هستند و در برخورد با مسائل، بجای پیروی از احساسات محض به تحلیل عقلی می‌پردازند نیز قادر باشند تا حدی سره را از ناسره بازشناسند. بدین جهت در این پژوهش از منظری عقل‌گرایانه آسیب‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. آنچه در این پژوهش مهم است آسیب‌شناسی برای ارائه رویکرد صحیح در خوانش و فهم احادیث در حوزه بانوان برای آحاد جامعه است. روش این پژوهش، اسنادی - تحلیلی است که با رویکرد مستقیم، مسئله مورد واکاوی و تحلیل عقلانی قرار گرفته است.

### علل تبیین نادرست گزاره‌های دینی مرتبط با زنان

آیات و روایات حوزه زنان در بستر تاریخ، گرفتار آسیب‌ها و بدفهمی‌های بسیاری شده است. این آسیب‌ها تأثیر شایانی در تحریف پیام الهی درباره زنان داشته است. مهم‌ترین علت‌هایی که منجر به آسیب در فهم و تبیین برخی گزاره‌های دینی مربوط به زنان شده‌اند، عبارتند از:

#### ۱. غفلت از شرایط موضوع در حکم قضیه حقیقه

اسلام دینی جاودانه است که احکام آن محدود به زمان و مکان خاصی نیست. «حلال محمد ﷺ حلال الی یوم القیامه و حرام محمد، حرام الی یوم القیامه». (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۳۰ / ۱۹۶) بنابراین گزاره‌های دینی از جمله قضایای حقیقه هستند که حکم آنها شامل افراد موجود و مقدر است. (ملاصدرا، ۱۳۶۲: ۲۷۴ - ۵) نکته مهم در قضایای حقیقه باقی بودن موضوع با حفظ شرایط است، لذا با از بین رفتن موضوع یا تغییر شرایط موضوع، حکم در قضیه نیز تغییر می‌یابد. (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ ق: ۱۴۳) به عنوان مثال حکم در گزاره «آب در صد درجه می‌جوشد» حقیقه است و شامل تمام آب‌ها اعم از موجود و مقدر می‌گردد اما جوشیدن آب در صد درجه مقید به شرط درجه سختی آب به میزان معین و ارتفاع آن از سطح دریا است. چنانچه این شرایط تغییر نماید، درجه جوشیدن آب نیز تغییر می‌یابد. در موضوع بحث این پژوهش بسیاری از گزاره‌های دینی در حوزه زنان گرچه از قضایای حقیقه هستند اما شرایط موضوع با توجه به گذر زمان تغییر یافته است بنابراین حکم در قضیه شامل زنانی که شرایط موضوع را ندارند نمی‌گردد.

به عنوان نمونه روایت معروف مولا امیرالمؤمنین علیه السلام که می‌فرمایند:

فَاتَّقُوا شَرَّارَ النِّسَاءِ وَ كُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلِيَّ حَذَرَ وَ لَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَطْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ. (شریف الرضی، ۱۳۷۹: ۱۷۹)

پس از زن‌های بد بپرهیزید و از خوبان‌شان برحذر باشید، و در گفتار و کردار پسندیده نیز از آنها پیروی نکنید تا در گفتار و کردار ناشایسته طمع (پیروی شما را) نداشته باشند.

مبتنی بر این واقعیت است که زنان در آن زمان دچار فقر معرفتی بوده و ملبس به ارزش‌های اخلاقی و معنوی نبودند زیرا از علم و دانش بی‌بهره بودند، و تربیت آنان براساس خدمت به مردان صورت می‌گرفت و درک روشنی از مسائل اقتصادی، سیاسی و مانند آن نداشتند. (ر.ک: سائلی، ۱۳۷۹: ۱۹۹؛ ابن‌بابویه، بی‌تا: ۲ / ۱۶۰) علاوه بر این شرایط، زن موضوع قضیه حقیقه در کلام مولا است. مسلم است که زنانی با این سطح از فقر معرفتی، علمی و فرهنگی، مشاوران سلیمی نیستند پس اگر در مورد نادری هم مشاوره درست دادند، پیروی از آنها موجب تشویش، و ادامه رفتار می‌گردد و توقع و انتظار مشاوره در امور دیگر را پیدا می‌کنند. (صلیبا، بی‌تا: ۲۲۰)

زنان در عصر معاصر از جهت علمی، فرهنگی رشد قابل توجهی پیدا کرده‌اند و میان زنان و مردان در توانایی‌های معرفتی و فرهنگی تفاوتی قابل توجهی وجود ندارد. بنابراین شرط موضوع در بسیاری از زنان امروزی وجود ندارد و حکم نیز مربوط به این دسته از بانوان و زنان فرهیخته نمی‌باشد. چنانچه کماکان اگر در این زمان نیز زنی باشد که در فکر و عمل مانند زنان جاهلیت باشد موضوع و شرط هردو هستند پس حکم نیز در قضیه حقیقه شامل آنان می‌گردد.

## ۲. بررسی روایات منفک از سبب صدور شبهه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سبب صدور در منطوق عقل، شرط قضیه است. لذا فهم صحیح کلام وابسته و مشروط به فهم سبب صدور است؛ به عبارت دیگر هنگامی که سخن معصوم علیه السلام تحت شرایط خاصی بیان گردد یا در پاسخ به سوال معلومی منعقد شده باشد، شرایط معهود یا سوال پرسشگر شرط قضیه و پاسخ آن جواب شرط است. (مظفر، ۱۴۰۸ ق: ۱۳۳ - ۱۳۱) بنابراین عمل به این روایات هنگامی صحیح و سنجیده است که شرط نیز محقق باشد. در بسیاری از گزاره‌های دینی، کشف سبب صدور، موجب فهم کامل مطلب و تعیین‌کننده مصداق آن خواهد بود. همان‌گونه که در مباحث عقلی، سبب صدور از مدالیل التزامیه قضیه (گزاره) می‌باشد. (ر.ک: ملاصدرا، ۱۴۱۰ ق: ۱ / ۳۱۳)

برای روشن شدن ارتباط سبب صدور با تبیین صحیح، می‌توان به کلام ملاصدرا هنگام تبیین صفت

حکمت خداوند متعال استناد کرد، ملاصدرا صفت حکمت را این‌گونه تبیین می‌نماید:

... تطلق علي كل كامل في علمه و عمله فالآن أمعن النظر في أفعاله المحكمه و علمه التام الذي هو سبب صدور أفعاله نظرا شافيا ... (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۲۷۳)

سبب صدور عمل حکیمانه، علم تام الهی است. در این گزاره علم سبب صدور و شرط بروز حکمت الهی است و تبیینی بر معنا و مفهوم حکمت در ذات اقدس خداوند است. بدین‌جهت انسان عاقل و وقتی بداند سبب صدور فعل حکیمانه، علم است؛ سعی می‌کند برای حکیمانه عمل کردن به علم خود بیافزاید. در مورد بحث نیز دانستن سبب صدور موجب می‌گردد فرد علت صدور کلام را کشف کند و در معنای صحیح آن را به‌کار گیرد.

روایات متعددی وارد شده است که محتوای آن در برگرفته این مضمون است که در ازدواج، زن زشت روی زایا بر زن زیبای نازا ارجحیت دارد. (ر.ک: بروجردی، بی‌تا: ۲۵ / ۱۸۱ - ۱۷۵) مسلماً پیامبر اسلام که «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء / ۱۰۷) است برای زنان عقیم، حق تشکیل خانواده و ازدواج قائل است و با مراجعه به آیات و روایات متوجه می‌شویم که سبب برتری و فرهیختگی انسان‌ها نسبت به یکدیگر تقوای آنان است نه زایا بودن و نازا بودن. اما در مواردی که افراد در انتخاب محدودیت داشتند و از پیامبر درخواست راهنمایی می‌کردند، پیامبر آنان را راهنمایی می‌فرمود. در این موارد، از روایت جواب شرط محذوف است؛ در مثال مورد بحث، شرط محذوف این است: اگر ازدواج محدود به انتخاب بین دو فرد یکی نازیبا و زایا و دیگری زیبا و نازا باشد فرد زایا اگرچه نازیبا باشد نسبت به نازا ارجحیت دارد. احادیث دیگری نیز از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که مسائلی چون ایمان، اخلاق، اصالت خانوادگی و ... را بر زیبایی ظاهری ارجح دانسته‌اند. سوال سائل در اینجا شرط و پاسخ پیامبر صلی الله علیه و آله جواب آن شرط است. اگر سؤال این بود که بین زن مؤمن و عقیفه نازا و زن غیرمؤمن و زایا کدام را انتخاب کنم؟ مسلماً جواب متفاوت می‌بود. سخن پیامبر در مواجهه با چنین شرایطی راهنمای افراد است، جهت کسب قدرت تشخیص و ترجیح هنگام تردید. به هر حال، مبرهن است که دانستن سبب صدور موجب فهم و تنقیح مطلب و انتخاب طریق صحیح می‌گردد.

برداشت منطقی دوم از روایت با توجه به سبب صدور این است که اگر بانویی قبل از ازدواج اعلام نمود که حاضر نیست فرزند بیاورد همان‌گونه که اکنون برخی شرط می‌کنند که فقط یک فرزند می‌آورند، فردی با این طرز تفکر در اولویت ازدواج نیست. همچنان‌که در روایات صفاتی را برای مردان برمی‌شمرد و توصیه می‌شود با این مردان ازدواج نکنید.

## ۳. نادیده‌انگاری مطابقت با قرآن

این مطلب آشکار و روشن است که معصومین شارحان و مفسران اصلی قرآن و پیام الهی هستند، بدین جهت رابطه قرآن با سنت معصومین علیهم‌السلام یا باید عموم و خصوص مطلق باشد و یا تساوی، در هر دو صورت از منظر عقل، محال وقوعی است که سخن و سنت پیامبر و معصومین مخالف با قرآن باشد. در این باره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در منی سخنرانی کرده و به این حقیقت اشاره فرموده‌اند:

ای مردم آنچه از جانب من به شما رسید و موافق قرآن بود آن را من گفته‌ام و آنچه به شما رسید و مخالف قرآن بود آن را من نگفته‌ام. (کلینی، بی تا: ۱ / ۲۰۳)

امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده‌اند: «هر حدیثی که موافق قرآن نیست، باطل است و تقلب». (همان: ۲۰۱)

بنابراین روایاتی که با نص قرآن متناقض‌اند و یا با آیات قرآن کریم رابطه عموم و خصوص من وجه دارند به هیچ وجه سخن معصومین علیهم‌السلام نیستند. خود پیامبر نیز فرموده‌اند: «خبر مخالف قرآن را به دور اندازید». (همان: ۳ / ۸۱۰)

بنابراین گزاره‌هایی که محتوای آنها بیانگر این مفهوم است که مشکلات جسمانی زنان عامل دوری آنان از خدای متعال، و سبب نداشتن ایمان کامل و در نتیجه دوری از مقام قرب الهی است، به آیات قرآن کریم عرضه می‌گردد. آیات یکم تا یازدهم سوره مؤمنون ملاک ایمان را عملکرد انسان‌ها برمی‌شمرد و اختصاصاً بیان داشته که ویژگی نماز مؤمنان خاشعانه بودن آن است نه کثرت آن. آیه ۲۸۶ سوره بقره نیز تذکر داده است که خداوند مهربان هیچ کس را، جز به اندازه تواناییش تکلیف نمی‌کند. حتی در برخی آیات بدون اینکه تفاوتی میان زنان و مردان قائل شود مردان و زنان مؤمنی را که دارای ویژگی‌های خاص هستند ولی یکدیگر معرفی می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه / ۷۱) مردان و زنان با ایمان، ولی و یاور یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند، به زودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد، خداوند توانا و حکیم است.» علامه طباطبایی در تفسیر این آیه فرموده‌اند: بعد از آن تذکر و بیان حال منافقین، اینک قرآن حال عامه مؤمنین را بیان می‌کند و می‌فرماید: «مردان و زنان با ایمان اولیای یکدیگرند»، تا منافقین بدانند، مردان و زنان مؤمن با همه کثرت و پراکندگی افرادشان همه در حکم یک تن واحدند، و به همین جهت بعضی از ایشان امور بعضی دیگر را عهده‌دار می‌شوند، و هر کدام اجازه دارند دیگری را به معروف امر و از منکر نهی نمایند. این اجازه بخاطر ولایت داشتن آنها در امور یکدیگر است. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۹ / ۴۵۵)

در آیات دیگری از جمله سوره توبه آیه ۷۲ رضوان الهی را که فوز عظیم است هم نصیب زنان و هم مردان مؤمن برمی‌شمرد «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي ... وَ رِضْوَانٍ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه / ۷۲) خداوند به مردان و زنان با ایمان وعده بهشت می‌دهد و در پایان آیه متذکر می‌شود که خشنودی و رضایت الهی از این مردان و زنان مؤمن برتر از همه آن نعمت‌هاست، بلکه رستگاری بزرگ است.

در هیچ آیه‌ای، برتری برای مردان به لحاظ جنسیت ذکر نشده است و تلاش انسان‌ها در طول زندگی دنیوی برای برخورداری از فکر سالم و رفتار پسندیده، ملاک رستگاری و قرب الهی است. مانند سوره نور آیه ۳۱ شرط رستگاری مردان و زنان مؤمن را به طور مشترک بازگشت به سوی خداوند برمی‌شمرد. قرآن توجّه ویژه‌ای به کیفیت عمل دارد و بسیاری از روایات نیز مؤید این حقیقت هستند. (ر.ک: ابن‌بابویه، بی‌تا: ۲ / ۳۴) حتّی در روایات معصومین تأکید شده است که کوشش در کیفیت و چگونگی انجام عمل بسیار بهتر از تلاش در کمیت و مقدار عمل است و کیفیت عمل است که سبب ارزشمندی آن است نه کمیت. (ر.ک: مجلسی، بی‌تا: ۲ / ۲۲۳)

#### ۴. خرافه‌گرایی در تبیین گزاره‌های دینی

خرافه در لغت به امر موهوم و غیرواقعی اطلاق می‌گردد و خرافات عبارتنند از مجموع اعتقادات یا رفتارهای ناشی از نادانی، ترس از ناشناخته‌ها، درک نادرست برخی علّت و معلول‌ها و مانند آنها. (ر.ک: عمید مدخل خرافات) خرافات نه مبنای علمی دارد و نه عقلی و نه شرعی بلکه خود، سدّ بزرگی در برابر عقلانیت به شمار می‌رود. در برخی کتاب‌های لغت نیز از آن به‌عنوان دروغی که جذّاب و شنیدنی است یاد شده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق: ۲ / ۲۵۲) برخی خرافات را ویژگی طبیعی و رفتار غیرقابل اجتناب بشر برای هماهنگی یا برخورد با وضعیت‌های زندگی می‌دانند. (Foster, 2009: 31-37)

غیرمنطقی بودن و جاهلانه بودن ویژگی اساسی و مشترک باورهای خرافی است؛ قرآن کریم می‌فرماید:

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا. (فرقان / ۴۴)

آیا گمان داری بیشترشان می‌شنوند یا می‌اندیشند؟ آنان مانند چهارپایان بلکه گمراه‌تراند.

در آیات پرشمار دیگری نیز خداوند انسان‌ها را به منش علمی و عقلانی، توأمان توصیه می‌کند. این آیات یا دارای محتوای هستی‌شناسانه (بقره / ۱۶۴) و یا دارای مضمون خودشناسانه هستند؛ مانند (مؤمن / ۶۷) و یا اینکه به تاریخ و عبرت‌های تاریخی پرداخته است (عنکبوت / ۳۵؛ یوسف / ۱۱۱ - ۱۰۹) که در تمام آنها عقل، محور فهم و استنتاج صحیح است.

حدیثی نقل شده است با این مضمون که «شومی در سه چیز است: مرکب، زن و خانه اما شومی زن‌گرانی کابین و دشواری زایش است و اما در مرکب، بیماری فراوان و بدخوئی آن است و اما شومی خانه در تنگی آن است و پلیدی همسایه‌هایش». (مجلسی، بی‌تا: ۸ / ۱۴۳) براساس همین حدیث برخی افراد و وجود زن را شوم و نحس دانسته‌اند و از آن برای تکبر خود و تحقیر بانوان استفاده می‌نمایند. اولین نکته در این رابطه این است که آیا عقل می‌پذیرد که خداوند موجودی بیافریند که اساساً شوم باشد؟! (ر.ک: ملاصدرا، ۱۴۱۰ ق: ۱ / ۳۴۰) و نکته دوم اینکه، به نظر می‌آید این افراد فراموش کرده‌اند، که حضرت فاطمه علیها السلام نیز یک زن است. حدیثی وارد شده که خداوند می‌فرماید اگر فاطمه علیها السلام نبود هستی را نمی‌آفریدم؛ عقلاً نمی‌توان پذیرفت هستی برای وجودی شوم آفریده شده باشد. اگر گفته شود حضرت فاطمه علیها السلام مستثنی است نقل کلام می‌شود به بانوان دیگری چون آسیه که در قرآن از ایشان نام برده شده است، و همچنین حضرت خدیجه، حضرت مریم، مادران ائمه و هزاران بانوی دیگر که در صدر انسانیت قرار دارند. بنابراین یا حدیث اساساً جعلی است و یا کلمه شوم در اینجا به معنای نحس بودن نیست بلکه در معنای سختی و رنج است که زن به خاطر بارداری آن را تحمل می‌کند و سپس به اجر عظیم مادر شدن و پاکی و طهارت از گناه می‌رسد. (بروجردی، بی‌تا: ۲۵ / ۵۲۱) و یا به خاطر زیادی مهریه‌اش رنج و سختی به همسرش وارد می‌شود که مکروه است.

متأسفانه خرافات در بسیاری از حوزه‌های عقیدتی تشیع راه یافته که برای اثبات سخن، نمونه دیگری از عقاید خرافی آورده می‌شود: برخی می‌گویند فقط شیعه بودن یا محبت ورزی به امیرالمؤمنان علیه السلام یا گریه بر امام حسین علیه السلام بدون هیچ عبادت و طاعت دیگری موجب سعادت و قرب الهی است، امام باقر علیه السلام با یک روایت، این‌گونه خرافات را باطل و شاهره حقیقت را به شیعیان نشان می‌دهند:

افکار و عقاید باطل، شما را منحرف نسازد، بدانید یگانه راه سعادت و نجات اطاعت خداست. (کلینی، بی‌تا: ۳ / ۱۱۸)

بنابراین اگر مبادی سخن غیرمستدل یا متناقض با واقعیت باشد؛ آن سخن موهوم و خرافه است و هیچ‌گاه نمی‌توان با چنین درکی به حقیقت نائل شد و واقعیت را بدست آورد. برخی از این روایات از اساس جعلی‌اند و برخی نیز با توجه به حقایق، نیازمند تاویل و تفسیر متخصصین‌اند.

##### ۵. بیان روایت تقطیع شده

یکی از مشکلات در فهم و تفسیر حدیث، بی‌توجهی در اجماع احادیث و تقطیع آن است. عقل سلیم برای نتیجه‌گیری و صدور حکم چه از طریق قیاس باشد یا تمثیل و یا استقراء، نیازمند مقدمات کافی و رعایت



شرایط لازم برهانی است ۱. (ر.ک: مظفر، ۱۴۰۸ ق، الباب الخامس، مباحث استدلال) توجه به یک حدیث و بی‌توجهی به روایات دیگر و یا تقطیع حدیث و بیان بخشی از آن، نتیجه شتابزدگی در استنباط یا سوءاستفاده از کلام معصوم علیه السلام است.

روایات متعددی گزارش شده است مبتنی بر اینکه زنان بسیاری به جهنم می‌روند مانند روایت امام باقر علیه السلام که فرموده‌اند: «نجات یافتگان از مردان کم‌اند و از زنان کمتر و کمتر». بیان روایت تقطیع شده تأثیر کاملاً متفاوتی از بیان روایت به طور کامل دارد. در ادامه روایت، سؤال از فرزند رسول خداست که چرا چنین است و حضرت فرمودند: «چون زنان هنگام خشم کافر و در وقت خشنودی مؤمنند». بیان کامل روایت، معلوم می‌سازد رفتار نادرست کفر در هنگام خشم، سبب فاصله گرفتن از سعادت است نه جنسیت. روایت امام باقر علیه السلام مفهومی تحذیری دارد که اهمیت کنترل خشم را بیان می‌دارد، در هر صورت هر کسی که در خشم مبتلا به کفر گردد از رحمت الهی دور می‌گردد. اما اینکه چرا روایت حکم را در مورد زنان بیان کرده کاملاً روشن است که به سبب صدور حدیث و شرایط جامعه برمی‌گردد.

حدیث دیگری از امام علی علیه السلام وارد شده که برخی آن را دستاویز نادانی و عدم مشورت با زنان قرار داده‌اند، با این مضمون «یاک و مشاوره النساء: از مشورت با زنان پرهیز». (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۱۰۰ / ۲۵۳) این حدیث نیز اغلب به شکل تقطیع شده بیان می‌گردد. در ادامه حدیث مولا فرموده‌اند: «أَلَا مَنْ جَرَّتْ بِكَمَالِ عَقْلِهِ: مگر زنی که کمال عقل او آزموده شده باشد.» به عبارت دیگر با افراد عاقل و مطمئن مشورت کن زن باشد یا مرد زیرا احادیث بسیار دیگری نیز وارد شده است که از مشورت با بخیل، ترسو، فاسق و غیره بر حذر باش، چه مرد باشد، چه زن.

۶. بی‌توجهی به سیره معصومین علیهم السلام گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی بسیاری از اندیشمندان اسلامی فلسفه وجود و نیاز به امام پس از پیامبر را ادامه تفسیر و تبیین دین توسط معصوم می‌دانند. (ر.ک: سبحانی، ۱۳۹۶: ۱۸۳ - ۱۷۹) بنابراین در آیاتی که بطور مجمل بیان شده است و یا در نگاه اول با آیات دیگر همخوانی ندارد باید به سنت معصوم علیه السلام مراجعه نمود و تفسیر دقیق را تبیین نمود و از تشبث و گمراهی در فهم پیام الهی مصون ماند. بنابراین به حکم عقل چنانچه روایتی مشاهده گردید که با سیره معصوم علیه السلام اعم از رفتار و گفتار در تناقض بود می‌توان گفت روایت دارای خدشه و اشکال است.

آیه «وَأَلَاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاصْرَبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً؛ (نساء / ۳۴) و (اما) آن دسته از زنان را که از طغیان و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید؛ و (اگر مؤثر

واقع نشد) در بستر از آنها دوری کنید؛ و (اگر آن هم مؤثر نشد و راهی جز شدت عمل نبود) آنها را تنبیه نمایید، و اگر از شما پیروی کردند، به آنها تعدی نکنید.» به نظر می‌رسد آیه با دیگر فرامین الهی در تناقض است زیرا اولاً تنبیه بدنی در شرع مقدس اسلام جایز نیست و در صورت آسیب‌رسانی، فرد موظف به پرداخت دیه می‌باشد. دیگر اینکه چگونه ممکن است اسلام به مردان اجازه دهد که در مورد زنان متوسل به تنبیه بدنی شوند و آنان را بزنند، درحالی‌که این امر با کرامت انسان مخصوصاً انسانی که شریک زندگی او است هماهنگ نیست.

علاوه بر اینکه اندیشمندان معتقدند امر در آیه مورد نظر اباحه است، نه وجوب و استحباب. (ر.ک: مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۶۷۹) مراجعه به سیره معصوم علیه السلام مفهوم «ضرب» را در آیه مشخص می‌سازد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «أ يَضْرِبُ أَحَدَكُمْ امْرَأَتَهُ كَمَا يَضْرِبُ الْعَبْدَ ثُمَّ يَضَاجِعُهَا فِي آخِرِ الْيَوْمِ؟ يَعْنِي أَيَا كِسَانِي أَمْ شَمَا هَسْتُمْ كَمَا مَانَدُ بَرْدَةَ خَدْمَتَكَارَ، زَنَ خُودَ رَا مِي زَنَدَ، آخِرَ رُوزِ هَمَّ بَا أُو هَمْخَوَابَه شُود؟ اسْتَفْهَامُ دَرِ اَيْنِ جَمَلَه اسْتَفْهَامُ اِنكَارِي اسْت؛ كَنَابَه اَز قَبِيحُ بُوْدِنِ اَيْنِ رِفْتَار. (خسروانی، ۱۳۹۰ ق: ۲ / ۱۹۹) در حدیث دیگری نیز آمده است. «الضَّرْبُ يَالسَّوَاكُ وَ شِبْهَهُ ضَرْبًا رَفِيْقًا» (امام رضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق: ۲۴۵) حدیث عقلاً مورد قبول است زیرا زدن باید بیانگر ناراحتی شدید باشد نه ضرب و جرح که در نص گزاره‌های دینی گناه محسوب می‌گردد و مرتکب آن باید دیه بپردازد.

پیامبر صلی الله علیه و آله پس از خاکسپاری سعد بن معاذ فرمودند عذاب قبر بر سعد اصابت کرد. مردم سوال نمودند با (جنازه) سعد بن معاذ کاری کردی که برای هیچ کس نکریدی، چگونه او را عذاب قبر گرفت؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند او (سعد) با خانواده‌اش تند بود. (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۸ ق: ۳۱۰؛ جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۴۱) و فرمودند بدترین مردم، مردِ سخت‌گیر بر خانواده است. (سیوطی، ۱۴۰۱ ق: ۲ / ۷۷) مبرهن است که پیامبر، قرآن ناطق است؛ وقتی فردی مثل معاذ با آن مقام بخاطر تندی رفتار با خانواده مبتلا به عذاب قبر می‌شود و حکم اسلامی هم که ضرب و جرح را حرام و مشمول دیه می‌داند می‌توان نتیجه گرفت که زدن در آیه همان معنای ابراز ناراحتی شدید را دارد و حدیث زدن با چوب مسواک تایید می‌شود.

حکایت دیگری در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است بدین مضمون که ابوعبدالله جدلی از عایشه سوال می‌کند که پیامبر با خانواده‌اش چگونه بود؟ جواب شنید: نیک خوترین مردمان بود، دشنام نمی‌داد و بدزبان نبود، اهل هیاهو و داد و فریاد در کوچه و بازار نبود و بدی را با بدی جبران نمی‌کرد، می‌بخشید و گذشت می‌کرد. (اندرزیان، ۱۳۹۵: ۷۳)

در سیره گفتاری و رفتاری پیامبر به اندازه‌ای توصیه به خوش‌رفتاری در زندگی، خصوصاً مرد نسبت به زن، وجود دارد که بخوبی بطلان گزاره‌های مبنی بر بی‌احترامی و تندخویی با همسر روشن است.

برخی بزرگان نیز معتقدند آیه درصدد بیان وظیفه حاکم در مسئله است با این بیان که: «خطاب در «و اللَّائِي تَخَافُونَ» با محکمه است چنان که در آیه بعد می‌فرماید: «فَاتَّبِعُوا حُكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حُكْمًا مِنْ أَهْلِهَا؛ و چون خطاب با حاکم است پس شأن و حق حاکم است که زن را نصیحت کند تا از همسرش اطاعت نماید و چنانچه تمکین نکرد، بمرد دستور دهد که از او در بستر کناره گیرد تا شاید این بی‌اعتنائی سبب تنبیه و اصلاح زن شود، و اگر از این راه توفیقی بدست نیامد؛ محکمه حق دارد دستور دهد زن را برای عدم تمکین بزنند، و زدن حق شوهر نیست و اگر کسی به‌ظاهر آیه تمسک کند و بگوید، مخاطب طبق ظاهر آیه مسلمانان متأهل هستند، سخن درستی نگفته است زیرا در آیه، حد سرقت و زنا و قذف نیز مخاطب جمیع مسلمانان است: «السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا» و نیز «الزَّانِيَةُ وَ الزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ» و هكذا «وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِالْبَيِّنَاتِ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» آیا در این گونه موارد خود انسان بدون إذن حاکم می‌تواند حد جاری کند؟ یا هرکجا که منافق و یا مشرکی یافت، گردنش را بزند و بگوید قرآن می‌فرماید «اقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ» پر واضح است که خطاب با حاکم است، و مرد باید در صورت نشوز زن به دادگاه شکایت کند و مسئولین امر شکایت او را بررسی و در صورت صحت زن را احضار نموده و طبق آیه شریفه عمل کنند. (ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۵ / ۲۱۶)

#### ۷. غفلت از منش بانوان الگو

منش و رفتار بانوان معصوم مانند حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت زینب علیها السلام یکی دیگری از طرق فهم معانی حدیث در حوزه زنان است. دو روایت مشهور در حوزه بانوان وجود دارد که برخی کژاندیشان از هر دو روایت چنین برداشت کرده‌اند که زنان بهتر است در خانه بمانند و به مردان و فرزندان خدمت کنند و به‌هیچ‌وجه در اجتماع حضور نیابند و در امورات مالی و مانند آنان همسران یا مردان دیگری از محارم را وکیل خود نمایند.

روایت اول مبنی بر این است که بهترین چیز برای زنان این است که نه مردی را ببینند و نه مردی آنان را ببینند. (ر.ک: حسن بن فضل طبرسی، بی تا: ۱ / ۴۴۶) روایت دوم نیز صفت ترسو بودن را صفتی پسندیده برای زنان برمی‌شمرد. (ر.ک: هاشمی خویی، بی تا: ۲۱ / ۳۰۴)

کنون باید دید بانوان الگو چگونه منشی داشته‌اند؟ طبق روایات حضرت فاطمه علیها السلام می‌دانستند در فاصله کوتاهی پس از رحلت پیامبر، دار فانی را وداع می‌گویند و به پدر بزرگوارشان ملحق می‌گردند، اما وقتی خبر غصب فدک به ایشان داده شد علی‌رغم بیماری و اندوه شدیدی که در فراق پدر داشتند، به همراه جمعی از بانوان به مسجد رفتند و با شجاعت سخنرانی نموده از حق خود دفاع کردند. اگر معنای حدیث، حصر زن در منزل است، آیا حضرت زهرا علیها السلام سزاوارترین فرد برای توصیه رسول‌الله نمی‌باشند؟

و حضرت علی علیه السلام را برای احقاق حق خود می‌فرستادند و خود در خانه می‌ماندند؟! علاوه بر این عمر کوتاه حضرت زهرا علیها السلام مجال استفاده از فدک را به او نمی‌داد پس چرا بانوی عزیز اسلام با حضور در مسجد در جمع صدها مرد به سخنرانی پرداختند؟

مسلم است که ایشان با دفاع مستقیم از حقشان درس بزرگی به عالم دادند که بین زن و مرد در احقاق حق فرقی نیست و زنان نیز با حفظ حدود می‌توانند مدافع حقوق خود باشند. مقصود حدیث هم، عزلت و گوشه‌نشینی بانوان نیست. شجاعت حضرت زینب علیها السلام و ترک همسر و خانواده برای همراهی با امام زمانشان، امام حسین علیه السلام به‌عنوان امام زمانشان، و رفتن به کربلا نمونه دیگری از حضور بانوان اسوه اسلام است. پس ترسو بودن در حدیث به معنای ترس از کسی یا چیزی نیست و همچنین به معنای محصور بودن در خانه نیست بلکه همان‌گونه که در احادیث دیگر نیز بیان شده است به معنای احتیاط و حفاظت از آبرو است؛ خصوصا در ارتباط با نامحرم. (ر.ک: همان)

#### ۸. نفوذ روایات جعلی

یکی از روش‌های دشمن برای نفوذ در فرهنگ اسلامی، جعل روایت تضعیف و تحریف آن است. این روش از زمان پیامبر آغاز شده و همچنان ادامه دارد بدین جهت معصومین علیهم السلام در جواب به این سوال که اگر روایتی به ما رسید که مخالف قرآن بود چه کنیم؟ فرموده‌اند آن را رها کنید. (کلینی، بی‌تا: ۱ / ۸۹)

برخی روایات جعلی در زمان ائمه علیهم السلام شناسایی و پاسخ داده شده‌اند اما همچنان رایج و مورد قبول برخی از خواص و عوام هستند. بنابراین باید بررسی نمود که عوامل پذیرش و گسترش این روایات جعلی چیست؟

#### الف) علل پذیرش و گسترش روایات جعلی

هدف از انجام جعل روایت، جایگزینی منش‌های منفعت‌طلبانه بر شیوه‌های حق‌گرایانه است، بنابراین یکی از نکات مهم در نفوذ و استحاله فرهنگی، بررسی هنجارهای و بسترهایی است که موجبات پذیرش اسرائیلیات را فراهم می‌آورد.

#### یک. فقر معرفتی

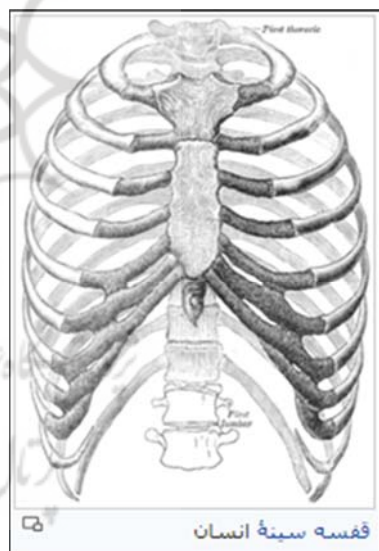
جاهلیت به هر شکل آن، مدرن باشد یا سنتی، بهترین بستر برای نفوذ عقاید ناخودی است تا جایی که تبیین و تفسیر معصوم را نیز به حاشیه می‌برد. روایتی نقل شده است مبنی بر اینکه بهره زنان از انسانیت به اندازه یک دنده مرد است. خلقت او تبعی و تنها وظیفه‌اش خدمت به مرد و فرزندآوری است. علاوه بر اینکه عقل، روایت مذکور را بر نمی‌تابد؛ با معارف قرآنی، روایی و علمی نیز در تناقض است، اما همچنان

روایت مذکور به سبب جهل و ناآگاهی در افواه خواص و عوام می‌گردد و موجبات بی‌قراری و رویگردانی قشر عظیمی از زنان و جوانان را فراهم می‌آورد.

قرآن کریم به صراحت بیان کرده است که خاستگاه و منشاء آفرینش زن و مرد یک چیز است. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا؛ (نساء / ۲) ای مردم نسبت به پروردگارتان متقی باشید، پروردگاری که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرانتان را هم از همان نفس آفرید. ...»

روایت امام صادق علیه السلام در رد حدیث مذکور بسیار صریح و روشن است. شخصی از امام صادق علیه السلام درباره خلقت حوا سوال می‌کند و می‌گوید مردمی در منطقه ما معتقدند خداوند عز و جل حوا را از دنده چپ آدم آفرید آیا چنین است؟ امام علیه السلام می‌فرماید خدا بسیار برتر است از این‌گونه خلق کردن. سپس در ادامه می‌فرماید کسانی که قائل به این عقیده هستند راه را برای هرزه‌گویان باز می‌کنند که خدا توان نداشت انسان مستقل دیگری بیافریند پس حوا را از دنده آدم آفرید. دیگر اینکه اگر حوا از دنده آدم است پس آدم وقتی او را به همسری گرفت با پاره‌تن خود همیستر شده است. (ابن بابویه، بی‌تا: ۴ / ۵)

علم تجربی نیز حدیث مذکور را که در آن گفته شده مردان به دلیل آفرینش زنان از دنده چپشان، یک دنده در طرف چپ کم دارند و زنان یک دنده بیشتر دارند را رد کرده است. در آناتومی بدن انسان مشخص است که هر انسانی بیست و چهار دنده دارد دوازده دنده در طرف راست و دوازده دنده در طرف چپ و فرقی بین زن و مرد در تعداد دنده‌ها نیست. ([www.e-anatomy.ir](http://www.e-anatomy.ir)) توجه به مسائل علمی در رد این دسته از روایات در برخی کتب معتبر روایی نیز مورد توجه قرار گرفته است. (ابن بابویه، بی‌تا: ۵ / ۷ - ۵)



فقر معرفتی فقط نداشتن اطلاعات علمی حداقلی نیست

بلکه نداشتن روحیه انتقادی و عقل‌گرایانه است که سبب پذیرش هر مسئله‌ای به اسم تعبد یا روشنفکری می‌شود. چنین افرادی با وابستگی فکری مسائل را می‌نگرند و همان‌گونه که گذشت کوچک‌ترین تلاشی برای فهم واقعیت نمی‌کنند؛ درحالی‌که جعلی بودن برخی روایات به سادگی قابل کشف است.

دو. هنجارهای عصر جاهلیت

کانت از فیلسوفان بزرگی است که معتقد است انسان‌ها با توجه به پیشفرض‌های ذهنی خود می‌بینند،

می‌شنوند و درک می‌کنند. (کانت، ۱۳۷۰: ۱۶) و عقل‌گرایی یعنی دورشدن حداکثری از این پیشفرض‌ها و کشف واقعیت‌ها و حقایق همان‌گونه که هستند.

طبق مستندات تاریخی، تفکر رایج در عصر جاهلیت نه تنها در جزیره‌العرب بلکه در سراسر گیتی نسبت به زن مبتنی بر حقارت وی بوده و در هیچ شأنی از شئونات زنگی صاحب رأی و استقلال نبوده است. زن در پایین‌ترین سطح شهروندی تابع و خدمتکار مرد بوده که نه تنها ارث به او تعلق نمی‌گرفته بلکه خودش مانند کالا به ارث برده می‌شده است. (مطهری، بی‌تا: ۱۹ / ۲۳۵ - ۲۰۳)

این پیش‌فرض‌های فکری به اندازه‌ای عمیق و قوی بوده است که بعد از رحلت پیامبر گرامی اسلام ﷺ فدک را که پیامبر ﷺ در زمان حیات به دختر گرامیشان بخشیده بودند به راحتی غصب کردند و مهاجر و انصار هیچ‌یک از حق حضرت زهرا علیها السلام دفاع نکردند. (ر.ک: طبرسی، بی‌تا: ۱ / ۲۲۶) بانویی که حضرت رسول در زمان حیات‌شان احادیث متعدد در شأن مرتبت ایشان بیان فرمودند و شادی و اندوه بانو را شادی و اندوه خود دانستند. به‌طور طبیعی در این بستر فکری، جعل و گسترش روایات و تخفیف و تحقیر شخصیت بانوان کار پیچیده‌ای نبوده است.

#### ب) نفوذ عقاید تحریف شده یهودی - مسیحی با برچسب اسلامی

گسترش اندیشه‌های بیگانه با دو شیوه صورت پذیرفت اول توسط دشمنان، و با تبلیغ آنها حقانیت اسلام و جاذبه پیامبر موجب گرایش مردم به اسلام گردید و مذاهب دیگر تحت‌الشعاع اسلام قرار گرفتند و سپس برای نفوذ در اسلام و نابود کردن آن از درون، عقاید خود را با نام اسلام بیان کردند تا حق و باطل درهم آمیخته شود و مردم دچار تردید شده و آرام، آرام از اسلام رویگردان شوند.

دوم توسط دوستان و پیروانی که نسبت به دین خویش فاقد اطلاعات لازم هستند و به راحتی مجذوب نظریات نفوذی‌هایی که در قالب مردم درآمده‌اند، می‌شوند. (مطهری، بی‌تا: ۲۴ / ۸۷ - ۸۵)

هر دو نمونه ذکر شده در صدر اسلام وجود داشت. مخالفان اسلام مبارزه با اسلام را با تحریف آن آغاز کردند و از پیش فرض‌های فرهنگی رایج در جامعه نیز کمک گرفتند. و در حوزه زنان با توجه به تعصبات و اعتقادات رایج علیه این قشر جامعه، روایاتی را جعل کردند که بعد از گذشت قرن‌ها هنوز شاهد بیان آن از زبان پیروان ناآگاه و فرصت طلبان خودمحمور هستیم؛ از جمله آنها روایاتی است که مرتبط است به آفرینش تبعی زن از دنده چپ مرد که اعتقادی است یهودی - مسیحی و در کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش بیان شده است. «خدا گفت: خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق با وی بسازم.» (سفر پیدایش: ۲ / ۱۸) «و خداوند خوابی گران بر آدم مستولی گردانید تا بخفت، و یکی از دنده

ایش را گرفت و گوشت در جایش پر کرد. و ... آن دنده را که از آدم گرفته بود، زنی بنا کرد و وی را به نزد آدم آورد.» (همان: ۲۲ و ۲۱)

سپس شاهد روایاتی با همین مضامین در فرهنگ اسلام هستیم که با هیچ‌یک از مبانی نظری اسلام مطابقت ندارد.

نمونه دوم خوردن میوه ممنوعه توسط حضرت آدم و هبوط از بهشت است. در تورات علت گمراهی حضرت آدم وسوسه شدن توسط زن بیان شده است؛ بدین صورت که شیطان به شکل مار به سراغ حوا می‌آید، او را وسوسه کرده و دروغ (نعوذبالله) خداوند را مبنی بر نمردن در اثر خوردن آن میوه برملا می‌سازد و حوا سراغ حضرت آدم رفته او را گمراه می‌نماید. لذا در فرهنگ یهودی - مسیحی، زن عامل گمراهی و یاور شیطان است. و احادیث بسیاری نیز با این محتوا جعل گردیده است. (ر.ک: جزائری، بی‌تا: ۷۵)

در زبان عربی تشبیه که نشان دهنده دو نفر است با علائم خاص از مفرد و جمع متمایز است. رجوع به قرآن مشخص می‌نماید هر دو مخاطب شیطان بودند و با هم گمراه شدند.

يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ، فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ، وَقَاسَمَهُمَا إِيَّيْ لَكُمَْا لَمِنَ النَّاصِحِينَ، فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ ... (اعراف / ۲۲ - ۲۰)

شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را که از اندام هایشان پنهان بود آشکار شود و گفت پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرد مگر اینکه دو فرشته می‌شوید یا جاوید می‌گردید، و برای آن دو قسم خورد که نسبت به آن دو خیرخواه است، پس آن دو را فریب داد. ....

کسانی که خود را برتر از همه می‌دانند و زنان را به طُرُق مختلف تحقیر می‌نمایند این نکته را فراموش کرده‌اند که بازگشت تمام معاصی به تکبر است و ابلیس هم با استدلال در نوع خلقت، تکبر ورزید و از درگاه الهی رانده شد. (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۷۴: ۸ / ۲۸)

#### ۹. بی‌توجهی به فلسفه آفرینش انسان

اسلام توجه ویژه‌ای به روابط همسران و حفظ حریم خانواده دارد. لذا توصیه‌های بسیاری برای همسران وارد شده تا در جهت ساماندهی مطلوب در زندگی خانوادگی به کار گرفته شود. (ر.ک: طبرسی، بی‌تا: ۱ / باب آداب نکاح؛ ابن بابویه، ۱۳۶۷: ۵ / ۹۳ - ۸۶) کتاب‌های بسیاری نیز بر این اساس نگاشته شده است. برخی افراد سفارش‌هایی که به زنان در رابطه با همسر شده است را برجسته‌سازی نموده‌اند و سپس

تفسیر جعلی و نادرست خود را به آن ملحق نموده و به گونه‌ای مطالب را ارائه می‌کنند، که گویا مرد در قبال زن فقط وظیفه کنترل کردن و پرداخت نفقه دارد، لکن زن باید تمام توان خود را صرف رضایت مرد و خدمت به وی نماید و مهم‌ترین و ارزشمندترین وظیفه او نیز تمکین است؛ گاهی اگر اجازه بیرون رفتن و یا شرکت در اجتماعات به او داده می‌شود برای این است که با انرژی بیشتر به خدمتگزاری مرد پردازد و نیازی به افزایش اطلاعات، آگاهی از سیاست و اقتصاد ندارد. علاوه بر اینکه احادیثی از این دست، مخالف احادیث مشهوری چون «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» (امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۳۶۰: ۱۳) و «اطلبوا العلم من المهد الی الحد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۶۸) و آیات پرشماری چون «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ...» (توبه / ۷۱) می‌باشد؛ توجه به فلسفه آفرینش انسان نیز خطای این نوع افکار و اعتقادات را آشکار می‌سازد.

اسلام کامل‌ترین پیام الهی است که از سوی خداوند برای بشر ارسال گردیده است. هدف از ارسال پیام الهی نیز طبق داده‌های دینی هدایت و راهنمایی بشر برای رسیدن به سعادت و خوشبختی است. سعادت و چگونگی دستیابی به آن در سامانه معرفتی اسلام، مراتب و مراحل مختلفی دارد که افزون بر قرآن و روایات، اندیشمندان در علوم متأثر از اسلام به آن پرداخته‌اند؛ سعادت در اخلاق اسلامی «عدالت» (ر.ک: ملا احمد نراقی، ۱۳۷۷: ۸۴) از منظر فلسفه رسیدن به کمال وجودی و اتصال به عالم معقولات (ر.ک: ملاصدرا، ۱۳۸۲: ۲۹۸) و در عرفان رسیدن به مرتبه تجرد از ماده، لقاءالله و فنای در اوست. (ر.ک: شیخ اشراق، بی تا: ۳ / ۶۹)

چگونگی دستیابی به سعادت نیز در یک دسته‌بندی کلی، اطاعت از فرامین الهی «ولیکفیم طاعته فیستجیوا بذلک رضوانه: و ایشان را به اطاعتش مکلف نمود تا از این طریق، شایسته رضوان او گردند». (ابن بابویه، ۱۹۹۶م: ۱ / ۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۵ / ۳۱۳) خدمت به خلق «مردمان همگی عیال خداوندند پس محبوب‌ترین افراد در نزد خداوند، نیکوترینشان نسبت به عیال خداوند است». (امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۳۶۰: ۸۸) پیروی از حق و عدالت «به راستی خداوند عز و جل ایمان را بر چهار ستون نهاده، صبر و یقین و عدالت و جهاد». (کلینی، بی تا: ۴ / ۱۶۳) است.

بنابراین زن و مرد هر دو وظیفه دارند در جهت ارتقاء وجودی و رسیدن به قرب الهی تلاش کنند و در این راه با ایجاد آرامش و نشاط، یاریگر هم باشند. رابطه مردان و زنان باایمان باید دور از تکبر و غرور باشد خصوصاً همسران که باید رابطه‌ای صمیمانه و محبت‌آمیز داشته باشد؛ تا یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر نمایند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه / ۷۱) و مردان و



زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده وا می‌دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است.

### نتیجه

اگر چنانچه هنجارهای جامعه در مورد بانوان مبتنی بر ارزش‌های حقیقی اسلام نباشد سبب نفوذ اسرائیلیات در فرهنگ اسلامی می‌گردد و به مرور بستر رویگردانی از دین را در آنان فراهم می‌آورد و از سوی دیگر اگر رواج هنجارهای ضد ارزش در نتیجه تبیین نادرست گزاره‌های دینی باشد، دستاویز دشمنان برای مبارزه با اسلام و معرفی آن به‌عنوان مذهبی غیرمنطقی و ضد زن می‌شود. بررسی آسیب‌های تبیین گزاره‌های دینی در مقاله حاضر می‌تواند به پیرایش عقاید زن ستیزانه بیانجامد. روایات جعلی و برداشت‌های ناصحیح از گزاره‌های دینی در حوزه زنان بسیار است. ارائه روشی عقلانی و منطقی در مواجهه با گزاره‌های دینی خصوصاً در حوزه زنان برای تبیین حقیقت و بازسازی از فهم ناصحیح گزاره‌های دینی، ضروری است و درصد پرشماتری از مردم را در برابر کژفهمی و باورهای ناراست تسلیح می‌نماید.

مهم‌ترین آسیب‌ها در تبیین نادرست گزاره‌های دینی از منظر عقل منطقی ۱. غفلت از شرایط موضوع در حکم قضیه حقیقه ۲. بررسی روایات منفک از سبب صدور ۳. نادیده انگاری مطابقت با قرآن ۴. خرافه گرایی در تبیین گزاره‌های دینی ۵. بیان روایت تقطیع شده ۶. بی‌توجهی به سیره معصومین (ع) ۷. غفلت از منش بانوان الگو ۸. نفوذ روایات جعلی و ۹. بی‌توجهی به فلسفه آفرینش انسان می‌باشد.

### پی‌نوشت

راه‌های استدلال یا اقسام برهان سه دسته هستند: قیاس، تمثیل و استقراء. (محمدرضا مظفر، ۱۴۰۸ ق: ۲۰۱ و ۲۰۲) بنابراین در منطق استقراء از انواع استدلال و برهان شمرده شده است.

### سه نوع استقراء و شرایط آن

۱. استقرایی که تنها بر مشاهده مبتنی است: در این نوع استقراء، انسان پس از مشاهده اینکه برخی جزئیات یا بیشتر آنها، وصف واحدی دارند، نتیجه می‌گیرد که این وصف برای همه جزئیات ثابت است. مانند استقراء صفات و خصوصیات حیوانات. در این نوع باید تعداد جزئیات بررسی شده آنقدر باشد که برای پژوهشگر ظن نزدیک به یقین حاصل شود.

۲. استقرایی که علاوه بر مشاهده، بر تعلیل نیز مبتنی است. بدین صورت که پس از مشاهده برخی از جزئیات، پژوهشگر به دنبال علت ثبوت آن وصف است و سرانجام به این نتیجه می‌رسد که وصف مورد نظر، به خاطر علت یا به جهت خاصیتی که در آن جزئیات وجود دارد، برای آنها ثابت است. و عقل تردیدی ندارد که علت از معلولش جدا نمی‌گردد. در اینجا پژوهشگر استقراء کننده یقین و جزم پیدا می‌کند که آن وصف برای همه جزئیات آن نوع ثابت است. همه اکتشافات علمی و بسیاری از احکام ما بر آنچه مشاهده می‌کنیم از این نوع استقراء است. در این نوع استقراء نیازی نیست که افراد و موارد بسیار بررسی شود. همین که به علت برسیم کافی است. این نوع از استقراء مبتنی بر تعلیل است و در منطق جدید «راه استنباط» یا «راه بحث علمی» نامیده می‌شود.

۳. استقرایی که بر تمائل و تشابه کامل میان جزئیات مبتنی است. در این گونه استقراء، بررسی یک مورد جزئی کفایت می‌کند، و این ممکن نیست مگر به جهت شباهت و مماثلت کاملی که در هستی میان جزئیات برقرار می‌باشد.

با توجه به اقسام استقراء، روشن می‌گردد که هر نوع از استقراء شرایط و ضوابط خاص خود را دارد تا به نتیجه برسد. (ر.ک: همان: ۲۶۷ - ۲۶۴)

#### منابع و مآخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، بی تا، *معانی الاخبار*، ۲ جلدی، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، تهران، دارلکتب الاسلامیه.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۶۷، *من لا یحضره الفقیه*، ۶ جلدی، ترجمه علی اکبر و محمدجواد غفاری و صدر بلاغی، تهران، نشر صدوق.
۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، ۱۹۶۶ م، *عِلل الشرائع*، ۲ جلدی، قم، کتاب فروشی داوری.
۴. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، ۱۴۰۸ ق، *عِلل الشرائع*، بیروت، دار احیاء التراث.
۵. امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۳۶۰، *مصباح الشریعه*، ترجمه حسن مصطفوی، تهران، انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۶. امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ ق، *الفقه [المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام]*، مشهد، مؤسسه آل بیت علیهم السلام.
۷. اندرزیان، امر الله، ۱۳۹۵، *خانواده موفق*، قم، ابتکار دانش.

۸. بروجردی، آقا حسین، بی‌تا، *منابع فقه شیعه* (ترجمه جامع احادیث الشیعه)، ۳۱ جلدی، محقق جمعی از فضلاء، تهران، انتشارات فرهنگ سبز.
۹. حرعاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعه*، ۳۰ جلدی، محقق مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۰. خسروانی، علیرضا، ۱۳۹۰ ق، تفسیر خسروی، چ اول، تهران، اسلامیه.
۱۱. خمینی علیه‌السلام، روح‌الله، بی‌تا، *صحیفه امام*، ۲۱ جلدی، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۱۲. جزائری، نعمت‌الله بن عبدالله، بی‌تا، *قصص الانبیاء*، ترجمه فاطمه مشایخ، تهران، انتشارات فرحان.
۱۳. جوادی آملی (علامه)، عبدالله، ۱۳۹۱، *مفاتیح الحیاه*، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۴. سبحانی (آیه‌الله)، جعفر و محمد محمد رضایی، ۱۳۹۶، *اندیشه اسلامی ۲*، قم، دفتر نشر معارف.
۱۵. سهرودی، شهاب‌الدین (شیخ اشراق)، بی‌تا، *مجموعه مصنفات*، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۶. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، ۱۴۰۱ ق، *الجامع الصغیر*، بیروت، دار الفکر.
۱۷. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، ۱۳۷۹، *نهج البلاغه*، ترجمه علی‌نقی فیض‌الاسلام اصفهانی، تهران، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض‌الاسلام.
۱۸. صلیبا، جمیل و منوچهر صانعب دره بیدی، بی‌تا، *فرهنگ فلسفی*، تهران، انتشارات حکمت.
۱۹. طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ۲۰ جلدی، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرسی، احمد بن علی، بی‌تا، *الاحتجاج*، ۲ جلدی، ترجمه بهراد جعفری، تهران، اسلامیه.
۲۱. طبرسی، حسن بن فضل، بی‌تا، *مکارم الاخلاق*، ۲ جلدی، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ ق، *کتاب العین*، قم، انتشارات هجرت.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، بی‌تا، *اصول الکافی*، ۶ جلدی، ترجمه کمره‌ای، قم، اسوه.
۲۴. کانت، ایمانوئل، ۱۳۷۰، *تمهیدات*، ترجمه غلامعلی حداد عادل، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بی‌تا، *آسمان و جهان* (ترجمه کتاب السماء و العالم بحار الانوار)، ج ۵۴، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، اسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ ق، *بحار الانوار*، ۱۱۱ جلدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۴۲ □ فصلنامه اندیشه نوین دینی، سال ۱۷، زمستان ۱۴۰۰، ش ۶۷

۲۷. مقدّس اردبیلی، احمد بن محمّد، بی تا، *زبده البیان فی احکام القرآن*، محقق محمدباقر بهبودی، تهران، مکتبه المرتضویه، چ اوّل.
۲۸. مظفر، محمدرضا، ۱۴۰۸ ق، *المنطق المظفر*، قم، مهدیه.
۲۹. ملاصدرا (صدرالدین شیرازی)، محمّد بن ابراهیم، ۱۴۱۰ ق، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار عقلیه الاربعه*، ۹ جلدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. ملاصدرا (صدر الدین شیرازی)، محمّد بن ابراهیم، ۱۳۶۲، *منطق نوین*، ترجمه عبد الحسین شکوه الدینی، تهران، آگاه، چ اوّل.
۳۱. ملاصدرا (صدرالدین شیرازی)، محمّد بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *مفاتیح الغیب*، مصحح محمّد خواجه‌جوی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۳۲. ملاصدرا (صدرالدین شیرازی)، محمّد بن ابراهیم، ۱۳۸۲، *الشواهد الوبویه فی المناهج السلوکیه*، قم، بوستان کتاب.
۳۳. نراقی، ملااحمد، ۱۳۷۷، *معراج السعاده*، چ پنجم، قم، هجرت.
۳۴. وجدی سیس، فاطمه و سیدرضا مودب، ۱۳۹۶، «آسیب‌شناسی فهم روایات مربوط به خانواده»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۵، ش ۱.
۳۵. هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، بی تا، *منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه*، ۲۱ جلدی، ترجمه حسن حسن زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تهران، مکتبه الاسلامیه.
۳۶. هلالی، سلیم بن قیس، بی تا، *تاریخ سیاسی صدر اسلام*، ترجمه محمودرضا افتخار زاده، تهران، رسالت قلم.

37. Foster, Kevin R. & Hanna, Kakka, 2009, *The evolution of superstitious and superstition-like Behavior*, Proc. R. Soc. 276, p. 31-37.